

گفت‌وگوی «جوان» با زهرا آیت‌اللهی، عضو سابق شورای عالی انقلاب فرهنگی پیرامون پیام رهبر معظم انقلاب به سالگشت باز تأسیس حوزه علمیه قم

حوزه‌های علمیه در فقه عقب بمانند تمدن غرب مسلط می‌شود

گفت‌وگو
جواد معمری

در پنجمین دهه از انقلاب اسلامی نقش حوزه‌های علمیه در تولید فقه پویا و به‌روز بیش از قبل احساس می‌شود. «حوزه پیشرو و سرآمد» عبارتی است که رهبر معظم انقلاب در پیام ۱۷ر۱۷بیهشت خود به صدمین سالگشت باز تأسیس حوزه علمیه قم بر آن تأکید داشتند. در این ارتباط با زهرا آیت‌اللهی، پژوهشگر و مدرس دانشگاه و رئیس سابق شورای فرهنگی-اجتماعی زنان شورای عالی انقلاب فرهنگی گفت‌وگو کرده‌ایم.

پیام رهبر معظم انقلاب به کنگره صدمین سالگشت باز تأسیس حوزه علمیه قم حائز نکات مهمی است که به نظر می‌رسد باید آن را یک مطالبه برای برداشتن گام‌های استوارتر در مراکز حوزوی بدانیم. نظر شما چیست؟

معتمد پیام رهبر معظم انقلاب نکات بسیار عمیقی دارد. از مباحثی که ایشان روی آن تأکید داشتند مسئله حوزه‌های علمیه بانوان بود که فرمودند این ابتکار مهم و اثرگذار است. چند نکته را رهبر معظم انقلاب اشاره کردند که معتمد به طور خاص و ویژه باید به آنها توجه کنیم که البته کارهایی انجام شده اما هنوز ناقص است؛ اینکه ایشان فرمودند حوزه باید یک مرکز علمی با تخصص‌های معین باشد و نیروهای مذهب و کارآمد تربیت کند و در خط مقدم جبهه تقابل با تهدید دشمن در عرصه‌های گوناگون و مرکز تولید و تبیین اندیشه اسلام در باب نظامات اجتماعی باشد و در مرحله آخر بحث قله نوآوری‌های تمدنی و آینده‌نگری‌های لازم در چارچوب پیام جهانی اسلام را مطرح کردند که در این باره لازم می‌بینم چند نکته را بیان کنم. پس از انقلاب اسلامی در ایران چند اتفاق مبارک رقم خورد که حوزه‌های علمیه ما نقش برجسته‌ای در آن داشتند، هر چند افکار عمومی خیلی با این اقدامات آشنا نیستند. به عنوان مثال اوایل دهه ۴۰ یا اواخر دهه ۷۰ سوزی افرادی که نگرش دقیقی نسبت به مسائل زنان نداشتند بر اساس نگرش‌های کمبینستی و رادیکال حرکت‌هایی در کشور شکل گرفت و آن دفاع بسیار شدید نسبت به الحاق ایران به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان بود. در واقع ایده و محتوایی از سوی غرب تنظیم و تدوین و از سوی سازمان ملل به کشورهای جهان عرضه شده بود و فشار وارد می‌شد که همه کشورها به این کنوانسیون ملحق شوند تا به تدریج آن دهکده جهانی مدنظر غرب محقق شود و در داخل ایران هم فشار شدیدی بود برای اینکه برنامه‌ریزی‌ها و رویکردها بر اساس همین مدل که غرب به ما القا کرده بود، انجام شود.

به خاطر می‌آورم که اولین واکنش به این موضوع از درون حوزه‌های علمیه خواهران شکل گرفت. تحقیق و بررسی صورت گرفت که این کنوانسیون اشکالات و ایرادات زیادی و با نصوص مسلم دینی تعارض جدی دارد، به همین خاطر جمعی از خواهران از جامعه‌الزهره و مدرسه عالی شهید مطهری و دوستانی از دانشگاه امام صادق با مدیریت شورای فرهنگی-اجتماعی زنان که بخش زنان شورای عالی انقلاب فرهنگی بود، در زمانی که هم قوه مجریه و هم قوه مقننه و حتی مجمع تشخیص مصلحت نظام رویکرد مثبتی نسبت به الحاق به این کنوانسیون داشت، یک جریان خیلی قوی ایجاد کرد و با روشنگری خواهران حوزه علمیه و مدیریت شورای زنان عملاً روحانیون ما در جریان قرار گرفتند و آقایان هم حساس شدند و در مدت کوتاهی سه نفر از مراجع پیام دادند و مخالفت‌شان را با الحاق به این کنوانسیون بیان کردند و در زمان جمع‌ها به این موضوع پرداخته شد و همین حرکت باعث شد پیوستن ایران به کنوانسیون تبعیض علیه زنان که رویکردی کاملاً غربی به مسئله زنان داشت به سراسر انجام نرسد. در گام بعدی همین خواهران حوزوی در تعامل با نیروهای دانشگاهی مطابق آن چیزی که رهبر معظم انقلاب مطالبه داشتند که دانشگاه‌های ما با مراکز حوزوی ارتباط داشته باشند، هماهنگ شدند و این اتفاق الحمدلله آن زمان رقم خورد، یعنی جمع قابل توجهی از نیروهای حوزوی ما با دانشگاهیان با تخصص‌های مختلف از پزشک، روان‌شناس، جامعه‌شناس، حقوقدان و افراد مختلف دور هم جمع شدند و یک سند اسلامی-ایرانی در ارتباط با مسائل زنان نوشتند که الحمدلله به شورای عالی انقلاب فرهنگی رفت و به عنوان منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی تصویب شد و بعد به مجلس شورای اسلامی رفت و تبدیل به قانون شد و پس از آن حتی به کشورهای اسلامی عرضه شد. من خودم در اجلاس مرکز فقه سازمان کنفرانس اسلامی که با مدیریت و ریاست مرحوم آیت‌الله تسلیری شکل گرفته بود، حضور داشتم و آنجا به فقهای همه کشورهای اسلامی این سند عرضه شد و خیلی جالب بود که عنوان شد سندی به این جامعیت مبتنی بر نگرش اسلامی درباره حقوق زن تا به حال در کشورهای اسلامی ندیده بودیم و

شبهه همین بحث درباره مسائل کودک مطرح شد. یکی از ضعف‌هایی که داریم و رهبر معظم انقلاب هم به آن اشاره کردند، این است که فقه رایج ما در برخی ابعاد خیلی گسترده است و در برخی ابعاد دامنه کمی را از ابتدا تا انتها مرور می‌کنیم و برای مثال اگر یک موضوعات فاقدر پردازش مطالب مورد نیاز مربوط به کودکان است. در این زمینه به نظر می‌رسد باید اقدامات مفصلی انجام دهیم. یک مسئله‌ای ممکن است خیلی ابتدایی به نظر برسد، اینکه آیا ما کتاب جامعی با عنوان کودک در قرآن داریم؟ کتابی باشد که همه آیات قرآن مربوط به کودک را جمع‌آوری و تفسیر کرده باشد، چنین چیزی نداریم. کتاب‌هایی وجود دارد. برای مثال حکمت‌نامه‌های مرحوم ری‌شهری هست، حتی فقه‌الاطفال داریم اما وقتی وارد ریز مسائل کودکان می‌شویم، متوجه می‌شویم آنچنان که باید به این فشر پرداخته نشده است، حتی در این حد که ما مجموعه‌ای از آیات مربوط به کودک را با تفسیر موسع داشته باشیم. اینها ضعف‌هایی است که در حوزه‌های علمیه ما وجود دارد و باید به آنها پرداخته شود. نکته مسائل زنان بود و حوزه علمیه خواهران به طور ویژه باید انجام دهد، درباره برخی موضوعات نوظهوری است که رایج شده و ما آنچنان که باید به لحاظ فقهی به آن نپرداخته‌ایم یا موضوع‌شناسی ما ضعیف بوده یا در آن حیطه کار مستوفای اجتهادی شکل نگرفته است. برای مثال احکام فقهی پیرامون تلقیح مصنوعی خیلی

یک مسئله‌ای ممکن است خیلی ابتدایی به نظر برسد، اینکه آیا ما کتاب جامعی با عنوان کودک در قرآن داریم؟ کتابی باشد که همه آیات قرآن مربوط به کودک را جمع‌آوری و تفسیر کرده باشد، چنین چیزی نداریم. کتاب‌هایی وجود دارد. اما وقتی وارد ریز مسائل کودکان می‌شویم، متوجه می‌شویم آنچنان که باید به این فشر پرداخته نشده است، حتی در این حد که ما مجموعه‌ای از آیات مربوط به کودک را با تفسیر موسع داشته باشیم. اینها ضعف‌هایی است که در حوزه‌های علمیه ما وجود دارد و باید به آنها پرداخته شود



گسترده است. با عملکردی که ما الان داریم در بحث نابرابری و تلقیح مصنوعی آنجایی که سلولی از زن یا مرد ترکیب می‌شود یا رحم اجاره‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد، من بررسی می‌کردم، دیدم حدود ۱۳۰۱۴ مسئله وجود دارد که هیچ جای فقه به آن پرداخته نشده است. برای مثال در این فرایند آیا هویت این فرزند حاصل از لقاح مصنوعی که متعلق به سلولی غیر از این زن و شوهر است و زن یا مرد بیگانه هستند، باید حفظ شود یا اگر کودک پس از اینکه به سن بلوغ برسد، حق آشنایی با هویت واقعی خودش را دارد یا خیر؟ من هر چه گشتم دیدم اصلاً به این مسئله پرداخته نشده است یا برای مثال مسئله دیگری که امروزه خیلی در جهان رواج پیدا کرده به ویژه در داخل کشور ما موضوع تغییر جنسیت است که ما در این مورد واقعاً خلأهای جدی فقهی داریم. درباره تأثیر هوش مصنوعی بر خانواده هنوز کار نکرده‌ایم در حالی که سرعت ترویج این موضوع در جامعه بسیار زیاد است. در برخی آسیب‌های اجتماعی مثل مواد مخدر یا برخی مکاتب اخلاقی به نظر می‌رسد فقه لازم است موضوع‌شناسی دقیق‌تری انجام دهد، بنابراین برنامه‌ریزی‌ها به صورت افراطی یا تفریطی در حال انجام است که بعضاً مدل‌ها و رویکردها از خارج کشور گرفته می‌شود و ما چون رویکرد شفاف اسلامی را تدوین نکرده‌ایم، به صورت تقلیدی در حال پیاده‌کردن برنامه‌هایی هستیم که می‌توانند به شدت آسیب زا باشند. موارد زیادی را می‌توان مثال زد که ما به خصوص در بحث زنان و کودکان و خانواده تا حدود زیادی نسبت به نیاز جامعه از فقه حکومتی اسلام عقب هستیم.

درباره مسئله امنیت زنان نیز ظاهراً با همین نگرش غرب‌گرایانه در دولت دوازدهم لایحه‌ای به مجلس رفته بود. نظر تان درباره آن لایحه چیست؟

بله، چیزی به عنوان لایحه رفع خشونت علیه زنان آماده شد که متأسفانه آن هم با برخی نگرش‌های ناب اسلامی مغایرت داشت و اگر تبدیل

اگر ما اعتقاد داشته باشیم به این حدیث نبوی که «الاسلام یُغلو و لا یُعلی علیه» اسلام برتری دارد و هیچ چیزی بر آن برتر نیست، نباید در فقه کم بگیریم و بانی این مسئله به طور مشخص حوزه‌های علمیه هستند. با دقت در مسائل روز و بازگشت به تقلین و آنچه در حدیث عنوان می‌شود که در حوادث و پیشامدها به راویان حدیث ما مراجعه کنید و در قالب آن ابتدا باید حادثه شناخته و بعد به قرآن و حدیث رجوع شود. گاهی ما آن حادثه واقع را دقیق نمی‌شناسیم و گاهی حادثه واقع را می‌شناسیم اما رجوع به تقلین نداریم. اگر این اتفاق بیفتد در آینده روی آوردن مردم جهان به سوی تمدن اسلامی را مشاهده خواهیم کرد

به قانون و پس از آن اجرا می‌شد، در جامعه ایجاد تعارض و در روابط بین زن و شوهر و بعضاً والدین و فرزندان تزلزل ایجاد می‌کرد، هر چند جامعه زنان ما مشکلات زیادی دارد و باید این مشکلات برطرف شود و نظام اسلامی باید بر مبنای عدالت فردی و اجتماعی برنامه‌ریزی کند و به طور قطع در این رابطه حرف‌هایی برای گفتن داشته باشد و راهکارهای عملیاتی ارائه دهد، منتها این چیزی که ابتدا تدوین شده بود، خیلی برآمده از فقه اسلامی نبود، بنابراین در مقابل آن مقاومت‌هایی ایجاد شد و در نهایت قوه قضائیه ورود پیدا کرد و رئیس‌جمهور وقت عنوان کردند که چون ابعاد حقوقی دارد، سه شنبانه‌روز تعدادی از قضات همراه با زن و بچه در هتل اسپیناس مستقر شدند و روی این موضوع کار کردند که باز هم اصلاح‌ناهایی نشد و رسید به دست خود آقای رئیسی و ایشان به طور ویژه نشستند و وقت گذاشتند و مشکلات این لایحه را حل کردند و با وجود رفت‌وآمدهایی که میان مجلس و دولت انجام شد، هنوز به نتیجه نرسیده است. به نظر می‌رسد علت اصلی همین کشاکشی است که بین نگرش‌های افراطی با نگاه غریب‌زده و نگرش مترقی اسلام وجود دارد و بی‌توجهی به عرف خانواده ایرانی است و مدل را بیشتر وارداتی می‌بیند و یک مقدار هم نگاه‌های تفریطی که چندان اهمیت نمی‌دهند، به اینکه ما در جامعه اسلامی به یک رابطه عادلانه میان زن و شوهر والدین و فرزندان نیاز داریم، باعث شده است امروز کار روی زمین بماند، در عین حال که رهبر معظم انقلاب تا به حال سه‌چهار بار گفته‌اند این کار روی زمین مانده و انجام دهید.

در این موارد بین حوزه خواهران و آقایان تفکیکی قائل نیستید و معتقدید حوزه باید یکپارچه به میدان بیاید. درست است؟

من جدی‌بینم و البته معتمد حوزه خواهران باید در این موارد ورود جدی‌تری داشته باشد، چون زنان اغلب با مسائل زن‌آشنا تدریجی آقایان هم باید ورود جدی کنند. این مسائل ایجاد خانوادگی گسترده‌ای دارد، چون خانواده مشکل از زن و مرد و کودک است. نگاه غرب‌گرا که شما از آن به عنوان رویکردهای افراطی یاد کردید، معتمد است خشونت علیه زنان در جوامعی مثل ما بیشتر از جوامع غربی است در حالی که به نظر می‌رسد برعکس است. آیا آماری از سوی مراکز تحقیقاتی ما در این ارتباط وجود دارد و اگر ندارد فکر نمی‌کنید یکی از نیازهای اصلی ما تدوین و تنظیم چنین آمارهایی باشد؟

یک مشکل اساسی که ما در کشور داریم، مسئله آمار است. آمار در کشور مادر خیلی از موارد دقیق نیست، آمارهای ما فقط در چند موضوع مثل میزان تولد و مرگ و میر دقیق احصا می‌شود و برخی آمارها ۱۰ سال یک بار احصا می‌شود که شاخص‌های آن خیلی محدود است و بعضاً می‌تواند گمراه‌کننده باشد. درباره خشونت علیه زنان در جوامع غربی البته خود آنها به طور دائم در حال آماردهی هستند، زمانی که من رئیس شورای فرهنگی اجتماعی زنان بودم سه نفر از دوستانی که روابط بین‌الملل خوانده بودند، یک کار مستوفایی انجام دادند و تمام گزارش‌های ارائه‌شده کشورهای غربی ملحق شده به کنوانسیون تبعیض علیه زنان را که به کمیته رفع تبعیض سازمان ملل ارائه شده بود کاملاً جنبه رسمی هم دارد، جمع‌آوری کردند و نتیجه خیلی جالب بود. به شدت از سوءاستفاده‌های جنسی که علیه زنان در این کشورها انجام می‌شود و اینکه در جوامع آنها زن شیء‌انگاری جنسی می‌شود، گزارش داده شده است. در جنبش موسوم به «می‌تو» این مسئله به شکلی خیلی عیان‌تر خود را نشان داد که به خیزش زنان و تظاهرات‌های میلیونی منجر شد.

جالب است زنان آسیب‌دیده از تعرضات جنسی اغلب در نهادهای بزرگی چون هالیوود، پارلمان اروپا و سازمان صلح نوبل کار می‌کردند و می‌توان حدس زد در میان اقشار و طبقات پایین‌تر و زیر پوست این جوامع چه درجه‌ای از خشونت و تبعیض در حال رقم خوردن است.

بله و درباره ماهیت وضعیت زن در جوامع غربی همین حالا به نظرم کتاب‌های خیلی خوبی در کشورمان منتشر شده است. کتابی که به تازگی تحت عنوان زنان زندانی منتشر شده از منابع بسیار مفصل کشورهای غربی استفاده کرده است؛ اینکه در این کشورها برای مثال استعمال مشروبات الکلی آزاد است و طبیعی است که نتیجه چنین فرایندی به طور عادی علیه زنان باشد، خود شورای فرهنگی-اجتماعی زنان چند کتاب در این ارتباط چاپ کرده و آمارهای خیلی خوبی ارائه داده است. کتابی از سوی انتشارات وزارت خارجه چاپ شد که وضعیت زن به روایت نهادهای حقوق بشری کشورهای غربی را ارائه داده بود.

با این حال تلاش زیادی از سوی برخی محافل رسانه‌ای داخلی و به ویژه سینما صورت می‌گیرد که وضعیت زنان را در جامعه ایران فلاکت‌بار نشان بدهند.

چیزی که عده‌ای خیلی روی آن در کشور ما مانور می‌دهند تا به زعم خود ثابت کنند خشونت علیه زنان در کشور ما هم زیاد است، این است که دامنه مصداق خشونت را به موضوعات دیگر سرایت می‌دهند. برخی مسائلی که آنها اصرار دارند، به عنوان خشونت القا کرده و در واقع خشونت نیست. برای مثال اگر مرد خانه به دلیل علاقه‌مندی به همسرش و مصالحتی که به عنوان مدیر خانواده تشخیص می‌دهد، مخالف یک سفر همسرش باشد، این مصداق خشونت نمی‌گردد. فکر کنید برای مثال خانمی قصد دارد به سفر خارجی تفریحی برود و شوهر او مخالفت کند. این را مصداق خشونت علیه زنان می‌گیرند. فقه اسلامی می‌گوید در رفت و آمدهای زن در حرم خانواده باید میان زن و مرد هماهنگی منطقی و خردمندانه وجود داشته باشد.

در حال حاضر وضعیت فقاقت در حوزه‌های علمیه را به طور کلی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اگر ما اعتقاد داشته باشیم به این حدیث نبوی که «الاسلام یُغلو و لا یُعلی علیه» اسلام برتری دارد و هیچ چیزی بر آن برتر نیست، نباید در فقه کم بگیریم و بانی این مسئله به طور مشخص حوزه‌های علمیه هستند، با دقت در مسائل روز و بازگشت به تقلین و آنچه در حدیث عنوان می‌شود که در حوادث و پیشامدها به راویان حدیث ما مراجعه کنید و در قالب آن ابتدا باید حادثه شناخته و بعد به قرآن و حدیث رجوع شود. گاهی ما آن حادثه واقع را دقیق نمی‌شناسیم و گاهی حادثه واقع را می‌شناسیم اما رجوع به تقلین نداریم. اگر این اتفاق بیفتد در آینده روی آوردن مردم جهان به سوی تمدن اسلامی را مشاهده خواهیم کرد.